

شعر می بارد | احسان خانقاه

شعر می بارد

شعر می بارد

هوایِ خاطره‌ام ابریست

و شعر می بارد باز

قسم خورده بودم که شعر نگویم

که مبادا خونِ رفتنت

به کلماتم شتک بزند

و به خاطرم آورد

آن صبح تنها را

که چمدان می‌بستی

برف می‌آمد

و به قول آیدین

کلاغ‌ها می‌خواندند:

برف...برف...

شعر می بارد

شعر می بارد

و من نمی گویمشان

کلاغها می خوانند:

برف...برف...

و برف...

روی شقیقه هایم می نشیند...

- <https://www.ehsankhanghah.ir>
- [instagram.com/EhsanKhanghah](https://www.instagram.com/EhsanKhanghah)